



Ⓛ تصویری از یکی از کتاب‌های منتشر شده در عراق زمان جنگ و تلاش برای انسانی نشان دادن رفتار عراقی‌ها با اسرای جنگی ایران.

Ⓛ تابلویی با تصویر صدام و صلاح‌الدین ایوبی. صلاح‌الدین ایوبی نزد عراقی‌ها محبوب بود و از سوی دیگر کرد بودن صلاح‌الدین می‌توانست در محبوبیت صدام نزد بخشی از کردهای عراق موثر باشد.



پس از حمله‌ی اسرائیل به اوزیراک حجم تبلیغات عراقی‌ها بیشتر شد. صدام می‌گفت: «حمله‌ی اسرائیل در هفتم ژوئن به نیروگاه اتمی ما در نتیجه‌ی اطلاعات و تصاویر مبادله‌شده و همچنین هماهنگی‌های مداوم میان تهران و تل‌آویو بوده است و همدستی آن‌ها با هم بیش‌تر آشکار شده است. رسانه‌های آمریکایی هم رابطه‌ی ایران و اسرائیل را تأیید می‌کنند.»

محور تبلیغاتی دیگر حزب بعث معرفی جنگ به عنوان جنگی فراتر از ایران و عراق، یعنی جنگ ایرانی‌ها با عرب‌ها بود. پس از شکست‌های سنگین صدام، دستگاه تبلیغاتی بعث سخنانی مطرح می‌کرد که بعید بود برای مردم خودشان هم جا بیفتد. پس از عملیات آزادی خرمشهر صدام گفت: «برای نیروهای عراق خاک ایران هیچ ارزشی نداشت. نظامیان ما پس از انهدام ماشین نظامی ایران که توسط خارجی‌ها و برخی اعراب تجهیز می‌شد، خاک ایران را ترک کردند و دست به عقب‌نشینی زدند.»

ستاد «نبیل الربیعی» شروع به صحبت می‌کند، صدام کفش خود را از پای درآورده، به طرف سرتیپ نبیل پرتاب می‌کند. محافظان او فوری کفش را به صدام برمی‌گردانند. صدام در پایان سخنانش، با لحنی که نفرت و خفت از آن می‌بارید، می‌گوید: «من در مقابل خودم چهره‌ی مرد نمی‌بینم. همه‌ی شما زن هستید. غیرت زنان عراق از شما بیشتر است.» بعضی از فرماندهان هنگام خروج از سالن گریه می‌کردند؛ چون صدام برای سومین بار در این جلسه به صورت آن‌ها تف کرده بود.

× مدال‌های شکسته

صدام حتی در برابر دوربین‌های تلویزیونی به فرماندهانش در خرمشهر پس از شکست مدال افتخار داد. به روایت مرتضی سرهنگی و به نقل از خاطرات فرماندهان عراقی، هنگامی که مراسم اهدای مدال تمام شد و فیلم‌برداری پایان یافت، صدام بر صاحبان مدال خشم گرفت که «من از مقاومت شما در خرمشهر راضی نیستم. این مدال‌ها برای تسکین افکار عمومی است. آرزو می‌کردم در خرمشهر کشته می‌شدید و عقب‌نشینی نمی‌کردید. آیا شما واقعا شایستگی دریافت نشان شجاعت را دارید؟ نه؛ اصلاً ندارید. وجدان من آرام نخواهد شد، مگر این که سرهای له شده‌ی شما را زیر شنی تانک‌ها بینم.» (در این حال، صدام از فرط عصبانیت لیوانی که جلوی دستش بود چنان روی میز می‌کوبید که تمام تکه‌های آن در کف سالن پخش می‌شود.)

صدام با یأس و ناامیدی ادامه می‌دهد: «...ای وای؛ خرمشهر از دست رفت. چگونه آن را دوباره بگیریم؟» در این هنگام، سرتیپ ستاد «ساجت الدلیمی» می‌گوید:

«قربان ببخشید.» صدام، درحالی

که از خشم دندان روی دندان می‌فشرد، نگاه تندی به ساجت می‌کند و می‌گوید: «ساکت باش

بی‌شعور! ساکت باش ترسو! همه‌ی شما ترسو هستید! همه‌ی شما مستحق اعدام هستید! چرا علیه ایرانیان از سلاح‌های شیمیایی استفاده نکردید؟» یکی از افسران در پاسخ صدام می‌گوید: «قربان! در این صورت سلاح شیمیایی بر سربازان ما هم تأثیر می‌گذاشت. چرا که نیروهای ایرانی به نیروهای ما خیلی نزدیک بودند.» صدام بلافاصله جواب می‌دهد: «سربازان تو بمیرند، مهم نیست. مهم این است که خرمشهر در دست ما باقی بماند... ای حقیر... ای پست...» وقتی سرتیپ

باورپذیر می‌کرد.

آن‌ها به مردمشان می‌گفتند دست ایران و اسرائیل در یک کاسه است. کوروش با یهودیان مهربان بوده و این سیاست تا امروز در ایرانی‌ها هست و ایرانی‌ها امروز هم در خدمت اهداف صهیونیست‌ها هستند و طرح حمله به عراق را با اسرائیلی‌ها ریخته‌اند. رادیو صوت‌الجماهیر به رزمندگان عراقی می‌گفت: «شما شمشیر خدا در زمین هستید و گردن‌هایی که شما می‌زیند گردن مجوس‌های متجاوز از یاران خمینی است. ای برادران، شما فرزندان علی و حسین و فاروق و نواده‌های صلاح‌الدین ایوبی هستید. شما توانستید از آشیانه‌ی موشک‌های تاو و دفاع زرهی دشمن و همه نوع اسلحه‌ی آمریکایی مدرن آن‌ها بگذرید.»

× خارج از مرز

اسرائیلی‌ها، که مدت‌ها اعلام کرده بودند نگران فعالیت‌های هسته‌ای عراق هستند، روز هفتم ژوئن ۱۹۸۱ (۱۷ خرداد ۱۳۶۰) بمب‌افکن‌های اف-۱۶ خود را برای نابودی نیروگاه اتمی اوزیراک به پرواز درآوردند. خلبان‌های اسرائیلی، هم مهارت فوق‌العاده داشتند و هم به زبان عربی مسلط بودند. هنگام پرواز بر فراز اردن با لهجه‌ی عربی عربستان سعودی با یکدیگر صحبت می‌کردند و به مأموران برج مراقبت اردن گفتند که گشتی‌های سعودی‌اند که راه را کم کرده‌اند. وقتی به حریم هوایی عربستان وارد شدند، لهجه را عوض کردند و وانمود کردند که خلبانان اردنی‌اند. اسرائیلی‌ها وقتی به هدف نزدیک شدند، تقریباً با هیچ مقاومتی روبه‌رو نشدند و نیروگاه اتمی اوزیراک عراق را نابود کردند.

هوایم‌ای اف ۱۶ که صهیونیست‌ها برای زدن اوزیراک از آن استفاده کردند.



× منابع

- 1982, May 2; **The Los Angeles Times**
- 1982, May 3; **The Guardian**
- 1982, May 6; **Star-Phoenix**

- **سوداگری مرگ**، کنت، آر تیممن، احمد تدین، موسسه‌ی خدمات فرهنگی رسا، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
- **تحلیل تحولات و تاریخ جنگ تبلیغاتی در دفاع مقدس**، مرتضی منطقی، سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۹.
- **قلب مقاومت**، جعفر شیرعلی‌نیا، سعید زاهدی، فاتحان، چاپ اول، ۱۳۸۸.